



## The Role of the Modern Ideas in The Manifestation and Growth of Religious Press

Habib Sharafi Safa<sup>1</sup> | Fatemeh Rahimi<sup>2</sup>

1. Corresponding author, Ph.D. of Islamic History of Iran, Kharazmi University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [sharafihabib@yahoo.com](mailto:sharafihabib@yahoo.com)
2. MA Student in Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: [f.rahimi1@yahoo.com](mailto:f.rahimi1@yahoo.com)

### Article Info

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received :11 July 2022

Received in revised form 16

August 2022

Accepted: 30 August 2022

Published online: 21

September 2022

**Keywords:**

Confrontation of the ideas,  
Hijab,  
intellectualism,  
Modernity and religious  
Modern schools,  
Religious press.

### ABSTRACT

**Objective:** Despite the several millennim precedent of writing among Iranians, the popularity of the press has not much history in Iran which also was a kind of cultural import and impressed by the West societies. This Penetration of West in the culture and politics of the Qajar era as well as the new religious ideas and thoughts such as Babism and Bahaism that manifestated in Iran, set alarm bells ringing about the Islamic traditions and Shiism, So it has led to the remarkable presence of the Clergy to resist the foreign newfaungled ideas what cultural activities and at the heart of them, Publicating the religious journals and publishing articles in the other kind of journals were the way of their confrontation. Therefore, the emergence of religious press and their growth as the first specialized publications in Iran, provided.

**Methods:** In this regard, the current research aims to consider the manifestation of the first religious press in Iran introuducing some components namely the new educational system and modernity and religious intellectualism which somehow played a role in the extension of the religious press, meanwhile using a descriptive-analytical approach and relying on the library sources to examin the developemnet process of religious publications.

**Conclusions:** The outcomes of the present study represent that the growth of the religious press in Iran has taken place in a couter current with West imported modern thoughts, likewise some interior ideas that popularized in Iran mainly during the constitutional period and after that.

**Cite this article:** Sharafi Safa<sup>1</sup>, Habib., Rahimi, Fatemeh (2022). The Role of the Modern Ideas in The Manifestation and Growth of Religious Press *News Science*, 11 (42), 71-94.





## اندیشه‌های نوین و نقش آن در ظهور و رشد مطبوعات دینی

حبيب شرفی صفا<sup>۱</sup> | فاطمه رحیمی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول دکتری تاریخ ایران - دوره اسلامی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. رایانامه: [sharafihabib@yahoo.com](mailto:sharafihabib@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: [f.rahimi1@yahoo.com](mailto:f.rahimi1@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b></p> <p>تقابل اندیشه‌ها، تجدد و نواندیشی دینی، حجاب، مدارس جدید، مطبوعات دینی.</p>	<p>علیرغم وجود سابقه چند هزار ساله کتابت در میان ایرانیان، اما مطبوعات در تاریخ ایران سابقه چندانی ندارد که آن نیز برگرفته از جوامع غربی و به نوعی وارداتی بوده است. همین امر یعنی نفوذ غرب در فرهنگ و سیاست دوره قاجاریه و در کنار آن ظهور برخی اندیشه‌ها و تفکرات مذهبی جدید در داخل ایران نظیر بابیه و بهائیه، زنگ خطری به سنت‌های اسلامی و تشیع بوده و موجب حضور پر رنگ روحانیت جهت مقابله با تفکرات تازه و اندیشه‌های وارداتی گردیده که راه مواجهه با آن‌ها را، فعالیت‌های فرهنگی و در بطن آن، انتشار نشریات مذهبی و درج مقالات در سایر مجلات می‌دانستند. لذا همین موضوع، زمینه‌ساز ظهور مطبوعات دینی و رشد آن‌ها به عنوان نخستین مطبوعات تخصصی در ایران گردید. در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا با نگاهی به ظهور نخستین مطبوعات دینی در ایران، به معرفی برخی مؤلفه‌ها نظیر: نظام آموزشی نوین، تجدد و نواندیشی دینی که به نوعی در رشد مطبوعات دینی نقش داشته‌اند، پرداخته و ضمن یک رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، روند رشد مطبوعات دینی را بررسی نماید. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رشد مطبوعات دینی در ایران، کاملاً در یک جریان مقابله‌ای با اندیشه‌های نوین وارداتی از غرب و نیز برخی اندیشه‌های داخلی که عمدتاً در ایام مشروطه و پس از آن در ایران رواج یافته، صورت گرفته است.</p>

استناد: شرفی صفا، حبيب؛ رحیمی، فاطمه (۱۴۰۱). اندیشه‌های نوین و نقش آن در ظهور و رشد مطبوعات دینی. *علوم خبری*، ۱۱ (۴۲)، ۹۴-۷۱.



## مقدمه

آغاز مطبوعات در ایران با دو روایت همراه بوده است؛ نخست، برخی از محققان انتشار جراید فارسی زبان صرف نظر از محل انتشار آن را، سرآغاز انتشار مطبوعات در ایران دانسته اند، برخی دیگر نیز سرآغاز نشر نخستین نشریه در ایران را فارغ از زبان آن - که فارسی یا دیگر زبان‌های رایج بوده - یا ترکیبی از زبان‌ها استفاده شده باشد، آغاز روزنامه‌نگاری در ایران می‌دانند (گودرزی، ۱۳۹۴: ۳۲). در این خصوص، نخستین روزنامه فارسی زبان با عنوان «مرآت‌الاحوال» یا «مرآت‌الخبار» در سال ۱۳۲۴ قمری / ۱۸۲۰ م. در هند انتشار یافته، یعنی قریب به ۲۰ سال پیش از انتشار «کاغذ اخبار» (۱۲۵۳ق / ۱۲۱۵ش) نخستین روزنامه فارسی‌زبان در ایران. اما با این حال آمارها نشان می‌دهند که نشریات منتشر شده از ابتدا تا انقلاب مشروطه، بسیار اندک و آن هم وابسته به دولت بوده‌اند. این رویکرد تک بعدی به نشریات، موجب تأخیر در ظهور نشریات آزاد و تخصصی بوده که نشریات اسلامی نیز در زمره آنان قرار می‌گیرد.

تا پیش از سال ۱۲۸۱، نشریه دینی مستقل در ایران شکل نگرفت. در این سال بود که با گسترش اندیشه‌های جدید که احتمالاً نقد برخی مسائل سنتی را به دنبال داشته، در اصفهان با رأی و نظر آقا نورالله اصفهانی، معروف به «ثقه‌الاسلام»، فردی از علاقمندان به علوم اسلامی مأمور مباحثه با علمای مسیحی در جلفای اصفهان گردید که صورت مذاکرات آن‌ها، در مجله‌ای با نام «الاسلام» یا «گفتگوی صفاخانه» به صورت ماهنامه انتشار یافت. اما با این حال نشریه مذکور، به صورت روزانه چاپ نشده و بیشتر به صورت ماهنامه، منتشر می‌شده است. نکته قابل توجه در انتشار این اثر، نه به جهت نخستین نشریه منتشره در زمینه دینی، بلکه علل انتشار آن بوده است. نگاهی به فاصله زمانی انتشار این اثر از نخستین روزنامه‌های منتشره در ایران، یک فاصله حدوداً شصت‌ساله را، از انتشار نخستین روزنامه ایران یعنی «کاغذ اخبار»، نشان می‌دهد. این امر خود گویای افزایش شمارگان روزنامه‌ها و مطالب احتمالاً مخالف با دین اسلام، می‌باشد. هرچند که دلایلی نیز، بر آن وارد است: از جمله اینکه نشریات آزاد و غیر دولتی تنها از زمان مظفرالدین‌شاه بوده که اجازه نشر یافته‌اند و چون نشریات دینی در زمره مطبوعات غیردولتی قرار دارند، از این رو در نخستین سال‌های اجازه نشر مطبوعات آزاد، شاهد شکل‌گیری نشریات اسلامی در ایران هستیم؛ دوم، مباحث دینی جنبه خبری و اطلاع‌رسانی نداشتند و بیشتر در زمره مجله‌های تخصصی قرار می‌گرفتند و چون مطبوعات در ایران نیز با روزنامه‌نگاری آغاز شده، بنابراین مجلات دینی تا حد بسیاری متأثر از فضای حاکم بر جراید، تا آن زمان امکان حضور نداشتند (همان: ۷۶). نشریات اسلامی نیز همچون نخستین نشریات که در صدد ایجاد ارگانی برای پاسخ و مقابله با برخی اخبار منتشره بود، برای مقابله با اندیشه‌ها و تفکرات تازه که به سرعت در حال رشد بودند، تأسیس شدند.

حال پژوهش حاضر با در نظر گرفتن مسأله مذکور و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، در تلاش برای تحلیل اهمیت ورود اندیشه‌های جدید و تأثیر آن بر وضعیت ظهور و رشد نشریات دینی است و در این رابطه، مطالب در دو بخش معرفی نشریات دینی و روند مقابله‌ای آن‌ها با اندیشه‌های نوظهور دسته‌بندی گردیده که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

## ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

از جمله آثاری که در آن‌ها مطالعه‌ای در خصوص موضوع این پژوهش، دیده می‌شود، کتاب «سرآغاز نواندیشی دینی» (۱۳۷۷) از مقصود فراستخواه است که در آن، ضمن اشاره به سیر تحول نگاه به دین در میان جوامع عرب و ترک و شبه‌قاره هند و پاکستان، به بررسی و نقد روند اندیشه‌های دینی و دیدگاه‌های متجددان در عصر مشروطه در ایران، پرداخته و نقش مطبوعات و نوع عملکرد آن‌ها را در این دوران، تبیین می‌نماید. همچنین کتاب «کشف حجاب، پیامدها و واکنش‌ها» (۱۳۸۴) تألیف مهدی صلاح نیز، جزو آثاری است که ضمن توجه به نقش تجدد در کشف حجاب، به مطبوعات بازتاب‌دهنده و موثر در این امر نیز، پرداخته است و با تکیه بر اسناد، روزنامه‌ها و مجلات، سیر وقوع و رسمیت‌یافتن و پیامدها و واکنش‌های این پدیده را، بررسی می‌کند. از جمله مهمترین تألیف‌ها در این حوزه، کتاب «بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران» (۱۳۹۴) است که حاصل پژوهش کمی و کیفی حسین گودرزی بر مطبوعات دینی ایران بوده و گزارش وضعیت انتشار این مطبوعات از ابتدا تا دوران معاصر، می‌باشد. از دیگر پژوهش‌های

محققان در این زمینه، مقاله «حوزه‌های علمیه و مطبوعات (دهه ۳۰ تا ۷۰)» (۱۳۸۷) نوشته محمدجواد چیت‌ساز است که به ضمن اشاره به نقش حوزه و روحانیون در ترویج افکار دینی، نمونه‌هایی از نشریات حوزوی در میان دهه ۳۰ تا ۷۰ را، همراه با ویژگی‌هایشان برمی‌شمارد. دیگر مقاله، «جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات دینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰)» (۱۳۹۸) از حسن زندیه و حسینعلی قربانی است که به بررسی تطبیقی اندیشه‌های مطبوعات دینی و مذهبی در دفاع از معتقدات دینی و نقد دیدگاه‌های غربی در دو عصر مشروطه و پهلوی اول، می‌پردازد. هم‌چنین می‌توان به پژوهش‌های «مجله الاسلام، نماینده مطبوعاتی نوگرایان دینی در عصر مشروطیت» (۱۴۰۰) و «بررسی اندیشه‌های اجتماعی در مطبوعات دینی عصر مشروطیت و پهلوی اول» (۱۴۰۱) از حسینعلی قربانی اشاره کرد که ویژگی‌ها و محتوای یک نشریه تأثیرگذار (الاسلام) در عصر مشروطه یا تمامی نشریات دینی دوران مشروطه و پهلوی اول را، بر اساس دیدگاه حاکم بر آن‌ها، بازتاب داده‌اند.

با وجود اطلاعات ارزشمندی که از این پژوهش‌ها، به‌دست داده می‌شود، همچنان مسئله تأثیرگذاری مواردی چون استبداد حکومتی، کشف حجاب و تغییر نظام آموزشی و فرهنگی و... بر عملکرد مطبوعات دینی و جریان مقابله‌ای با اندیشه‌های نوظهور و تجدد دین که در دوران‌های مختلف تاریخ معاصر ایران و توسط این نشریات به‌وجود آمد، بدون داشتن پاسخی تفصیلی و کافی، باقی مانده و بدین جهت، بررسی تحلیلی این موضوع و تأثیر نواندیشی‌های به‌وجودآمده در آن اعصار بر توسعه و گسترش مطبوعات دینی و مذهبی، هدف و امتیاز پژوهش حاضر می‌باشد.

### مطبوعات در دوران مشروطه و پهلوی

روزنامه‌های منتهی به دوره مشروطه را می‌توان به داخلی (دولتی و غیردولتی) و خارجی تقسیم کرد. روزنامه‌های داخلی دولتی، با توجه به حمایت دولت و حکومت از آن‌ها، محتوای خاصی داشته و روزنامه‌های داخلی غیر دولتی نیز به دلیل استبداد و انحطاط، عاری از استواری و اصالت یا فرصت مناسب و آزادی بیان بودند؛ اگرچه این محدودیت برای روزنامه‌هایی که در خارج از کشور انتشار می‌یافتند، وجود نداشت. هم‌چنین غالباً روزنامه‌ها چندان در رسالت روشنگری و تربیت خود، موفق نبوده و بیشتر به مطالب سطحی و مدح و وصف شاه و شاهزاده، می‌پرداختند. با این‌حال در دوره آزادی نیز، روزنامه‌ها محتوای چندان مفیدی نداشته و در واپسگرایی به سر می‌بردند. آزادی مطبوعات به موجب ضعف‌های فرهنگی، منجر به هرج و مرج ژورنالیسم شد و روزنامه‌ها به بیان سخنانی تند، روی آوردند. سپس از دوره مجلس دوم به بعد، رویکردی به شدت انتقادی و آشوب‌طلب یافته و با جزم و تکفیر یا ارتجاع و کهنه‌گرایی، نابودی احزاب نوپای سیاسی را دنبال کردند. با این همه، تأثیر مهم مطبوعات در تحولات دوران منتهی به مشروطه، غیر قابل انکار است (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۱۴).

مطبوعات زمینه‌ساز تحولات مثبت و پیشرفت هستند. چنان‌که روزنامه‌نگاری آزاد، موجب رویش اجتماعی و سیاسی یک کشور شده و مطبوعات نوپا، نوید تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری جدید را می‌دهند و تعطیلی و فترت و محدودسازی و فرمایشی‌سازی ساختن نشریات، جوامعی بسته و بیمار می‌سازند. بر این اساس، با توجه به آزادی مطبوعات در اواخر سده سیزده و اوایل سده چهارده هجری قمری، مشروطه به وقوع پیوست و پس از روی کارآمدن مجدد استبداد صغیر، مطبوعات دوباره در تنگنا قرار داده شدند تا راه انتقاد، بسته بماند (همان: ۳۲۳).

اگرچه نقش روزنامه‌نگاری در ایران، از ابتدای پیدایش تا تکوین جنبش مشروطه، چندان دولتی نیست، اما دو مؤلفه تشکیل مطبوعات در تبعید و مطبوعات ملی دوران مشروطه، از عوامل اثربخش این نهضت بودند که هم‌راستایی کانون‌های مشروطه‌خواهی و مطبوعات، موجب وسعت این تأثیرگذاری شد. به طوری‌که انجمن‌های سرّی که از جمله این کانون‌ها و

تشکیل شده از ملیون و آزادی‌خواهان بودند، از یک سو، هیئت نویسندگان مقالات انقلابی و از سوی دیگر، ناظر و ناشر مطبوعات ملی، تلقی می‌شدند. این هم‌سویی میان مشروطه‌خواهان و روزنامه‌نگاران، سبب شکوفایی مطبوعات در ایران و توسعه آن تا حتی دورترین نقاط کشور شد، با این حال این روند، چندان ادامه نیافت (خانیک، ۱۳۹۷: ۳۴).

به طور کلی پس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات، تعداد روزنامه‌ها افزایش یافته‌است (همان: ۳۶۲)؛ با این حال، توجه در دو دوره پس از جنبش مشروطه و پس از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹، نشان‌دهنده دو ساختار مطبوعاتی متفاوت است. در دوره اول، با توجه به عدم تمرکز قدرت سیاسی، دخالت و استبداد حکومتی، تبدیل به نظارتی قانونی می‌شود و مطبوعات در کنار نهادهای جدیدی چون مجلس و انجمن‌ها، توسعه پیدا کرده و یا تعطیل می‌شوند. همچنین کار جمعی مطبوعاتی و تشکل‌های خودانگیخته، شکل گرفته و توقیف نشریات، با اعتراض مواجه می‌گردد و لذا مطبوعات در آزادی بیشتری، قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، در دوره دوم و متأثر از ساخت خودکامه قدرت، دخالت دولت به وسیله وضع قوانین جدید و تأسیس نهاد نظارتی، افزایش یافته و اقدام جمعی مطبوعاتی، غیرممکن می‌شود. به علاوه، توقیف نشریات بیشتر شده و فرهنگ تملق گسترش می‌یابد و شاهد فزونی مداخله و مدیریت مطبوعات توسط خارجیان، هستیم (همان: ۳۷۳؛ همچنین در مورد دوره دوم نک: همان: ۳۸۴).

در سال ۱۳۲۵ و نیمه سال بعد، مطبوعات در خدمت حرکات اجتماعی و عرصه اندیشه‌های مردمی بودند. مطبوعات این دوران، به دلیل داشتن سبک نگارش جدید، نثر روان و بیان ساده افکار، مورد اقبال عمومی واقع شدند، با این حال، دربار و دولتیان، با فشار آوردن به مطبوعات، خواستار تغییر روش آن‌ها می‌شدند (همان: ۳۶۳).

بر این اساس می‌توان گفت که توسعه مطبوعات، تابعی از موضوع کلی‌تر توسعه سیاسی است و از اهداف و لوازم آن، پیروی می‌کند. توسعه مطبوعاتی نیز، به دنبال بالابردن سطح مشارکت و رقابت مردم و گروه‌های اجتماعی در ایجاد و مدیریت نهادهای مطبوعاتی، می‌باشد (همان: ۴۴). با توجه به این مطلب و رابطه توسعه مطبوعات با ساختار قدرت و دولت یک جامعه، می‌توان عمده‌ترین دلیل توسعه نیافتگی مطبوعات را، وجود موانع توسعه سیاسی در دو دوره پایانی عصر قاجار (۱۲۸۵-۱۲۹۹) و تکوین قدرت رضاشاه (۱۳۰۰-۱۳۲۰)، عنوان کرد (همان: ۴۹).

عدم ثبات دستاوردها در طول صد و ده سال پس از مشروطه، موجب نامگذاری ایران به «کشور انقلاب‌ها» شده‌است، چرا که تکوین جنبش مشروطه، زمینه‌ساز آغاز دموکراسی برای مردم شد، با این حال در مدتی کوتاه، استبداد مجدد به کشور بازگشت. نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق، فرازی دیگر برای آزادی ایرانیان بود که با کودتای رژیم، پایان یافت. اگرچه انتقال قدرت به ملت، زمینه‌هایی برای گسترش و توسعه مطبوعات را در هر دو دوره، فراهم ساخت، اما با تمرکز قدرت‌های کودتایی در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، این روند، صورتی معکوس به خود گرفت و با طلوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، عرصه دیگری برای آزادی فراهم شده و با تجربه‌های جدیدی برای مطبوعات در ایران، همراه شد (همان: ۴۶۴-۴۶۵).

### تأسیس نخستین نشریات مذهبی در ایران

نشریات مذهبی در حدود نیم سده بعد از تأسیس نخستین نشریه در ایران، پا به عرصه وجود نهادند. هرچند تأخیر در انتشار مطبوعات دینی، به شرایط استبداد کشور در آن بازه زمانی باز می‌گشت، اما وقایع تأسیس این مطبوعات نشان داد که احساس خطر علمای دینی از ورود اندیشه‌های جدید، فراتر از قدرت استبدادی بود و این احساس نیاز برای مقابله با چنین اندیشه‌هایی بود که به رشد نشریات دینی، نیز یاری رساند.

نخستین نشریه دینی ایران، «مجله الاسلام» یا «گفتگوی صفاخانه» در اصفهان بود؛ که با مدیریت سید محمدعلی داعی‌الاسلام تأسیس و شماره اول آن، در رمضان سال ۱۳۲۰ق، مطابق با سال ۱۲۸۱ شمسی و ۱۹۰۳ میلادی منتشر شد (براون، ۱۳۸۶: ۴۹۱). در خصوص علت تأسیس این مجله، در شماره اول آن این‌گونه آمده است: «چون سال‌هاست دعوات عیسویه می‌گفتند که چرا اهل اسلام جواب ما را نمی‌دهند؛ با آنکه از دول فرنگستان [به] بلدان اسلام می‌آییم و اداره دعوت مفتوح می‌نماییم، کرورها در هر سال مخارج این کار می‌کنیم، در هر سال کتاب‌های فراوان در رد اسلام طبع می‌کنیم و به دست اهل اسلام می‌دهیم» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۳۲). از این جهت، در سال ۱۳۲۰ قمری، حاج شیخ نورالله ثقه‌الاسلام، دعوت اسلامیه به نام «صفاخانه» را، برای پاسخگویی به شبهات مسیحیان، در اصفهان تأسیس کرد (همان).

با تأسیس صفاخانه اصفهان که موسوم به اداره دعوت اسلامیه گردید، یکی از مطلعین و آشنایان به مذهب مسیح، موسوم به سید محمدعلی، ملقب به داعی‌الاسلام، از طرف جامعه روحانیون اصفهان مأمور به مباحثه و مناظره با علما و مبلغین دین مسیح که در این تاریخ به وفور در این شهر رفت‌وآمد داشته، گردیده است. صفاخانه اصفهان، در آغاز امر در خود شهر و جلسات آن، در یکی از حجرات مدرسه صدر اصفهان، واقع در بازار بزرگ که محل سکونت داعی‌الاسلام بود، تشکیل می‌شده و از آن پس، دعوتخانه به نام صفاخانه اصفهان، به جلفا که مرکز مبلغین و مسیحیان بوده، منتقل گردیده است (همان). در این محل بود که مذاکراتی که درباره مذهب اسلام و مسیح، بین داعی‌الاسلام و مبلغین مسیحی در صفاخانه می‌شد، همه ماهه در یک رساله طبع و به نام مجله الاسلام و یا گفتگوی صفاخانه اصفهان منتشر می‌گردید (همان: ۲۳۴-۲۳۵).

الاسلام مجله‌ای کاملاً دینی و ویژه انتشار مذاکرات و مباحثات داعی‌الاسلام با مبلغان مسیحی بوده‌است. در هر شماره از مجله، گفتگوهای یک روز درج می‌شده و اگر گاهی صفحات مجله برای درج تمام گفتگو کافی نبود، بقیه در شماره بعدی منتشر می‌شد. در یکی از مندرجات، این روزنامه به گفتگوی داعی مسیحی با داعی‌الاسلام پرداخته که چنین است: «داعی مسیحی: فی‌الحقیقه صفاخانه شما در اسلام خیلی تازگی دارد، زیرا هیچ وقت چنین مجلسی در اسلام منعقد نشده بود که اهل هر ملت به طور آزادی حاضر شوند [و] درباره دین اسلام و ادله آن، گفتگو نمایند. پیش از اینها گمان می‌کردیم دلیل دین اسلام فقط شمشیر است، حال که این مجلس صفا و گفتگوی شما را می‌بینیم، خیلی تعجب می‌کنیم» (همان).

### تجدد و نواندیشی دینی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اندیشه‌های مذهبی در ایران در دو برهه از تاریخ معاصر، مورد تهاجم و تهدید تفکرات غربی قرار گرفته و این موضوع، فرصت بازخوانی این اندیشه‌ها و سنت اسلامی را فراهم کرده‌است. مقطع نخست مربوط به اوج انقلاب مشروطه (۱۲۹۰-۱۲۸۵ق) و رواج اندیشه‌های جدید در قالب مشروطه‌خواهی و دوره دوم در اواسط قرن بیستم و مصادف با روی کار آمدن رضاخان است که نیروهای سیاسی تحت حاکمیتش، از سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۱۰ شمسی، برنامه‌های مدرن‌سازی برگرفته از الگوهای غربی را پیاده می‌کردند؛ با این حال، دهه ۱۳۲۰ را می‌توان به عنوان عصر شروع انتشار عقاید مارکسیستی در بین جوانان، در نظر گرفت. این دو واقعه تهدیداتی بزرگ برای تشکیلات مذهبی محسوب می‌شدند که به تدریج زمینه‌های ضعف آن را، فراهم کردند، چنان‌که در حقیقت واکنش اولیه به این تحریکات، با انگیزه دفاع از دین و ارزش‌های مذهبی صورت گرفت (مبلغی، ۱۳۹۳: ۱۷۷). با این حال می‌توان موج افکار مارکسیستی را، خصوصاً در دهه چهل، سبب پویایی تفکر اسلامی دانست (همان: ۱۷۶). در واقع ورود مدرنیته به ایران، موجب تحول اندیشه در دو حوزه نظام سیاسی و حوزه باورهای دینی شده و حوادث سیاسی-اجتماعی پس از آن، زمینه‌ساز از هم‌گسستگی انسجام فکری گردید. در دوران مشروطه، ورود افکار مشروطه‌خواهی علاوه بر زیر سؤال بردن اعتبار سلطنت، تفکر دینی را نیز به بحران کشید، چنان‌که مشروطه‌خواهان بی‌توجه به عاقبت امر و علمای مشروطه‌خواه، فارغ از تصور نظام جدید که مستلزم به حاشیه رانده شدن دین است، خواستار آن بودند. هم‌چنین در اثر ورود مدرنیته در دوره پهلوی، کارکرد

دین در عصر صفویه و قاجاریه به پنداری غیرمدرن تبدیل شده و تفکرات جدید، جایگزین‌هایی برای آن، ارائه دادند (همان: ۱۷۴-۱۷۵).

در پی این تحولات و وقایع، دو جریان عمده اسلامی یعنی جریان «سنتی»، با آغازگری برخی شخصیت‌های حوزوی و به رهبری روحانیون و جریان «نوگرا» همراه با تفکر نواندیشی دینی، در دو مسیر متفاوت و موازی با یکدیگر، شروع به فعالیت نمودند (همان: ۱۷۷). ورود نواندیشی دینی در دوران قاجار و نیز رواج اندیشه‌های مدرن با رویکرد لیبرالیستی و در قالب ملی‌گرایی از سال‌ها قبل، با تأثیرپذیری از تحولات غرب، سبب نقد بنیان‌های دینی و ایجاد شبهه ناکارآمدی دین شد. علاوه بر این، در دوران رضاخان، حکومت مخالفت خود را با برخی مظاهر دینی، به طور رسمی اعلام کرد و قانون‌های کشف حجاب، ممنوعیت عزاداری، اتحاد لباس و منع لباس روحانیون را، به اجرا گذاشت (همان: ۲۰۰). ناکارآمدی دستگاه‌های حل و فصل تعارض‌های اجتماعی در این دوران، سبب فزونی تجزیه فرهنگ ایران، شکاف میان سنت و مدرنیسم و تفرقه‌های اجتماعی و فرهنگی، شد و با بی‌توجهی به پیمان‌های مذهبی و ملی و قانون‌گرایی، زمینه‌های فردیت و حاکمیت نظامی خشونت اجتماعی و به‌کارگیری ساختارهای پنهان را، توسعه داد (خانیک، ۱۳۹۷: ۴۵۷). رضاشاه پس از به‌دست‌گرفتن کامل قدرت، سیاست مدرن‌سازی جامعه و مذهب زدایی را، دستور کار خود قرار داده و در جهت تثبیت قدرت و جلوگیری از موانع اقتدار خود، کوشید با وضع قوانین عرفی، به ایجاد محدودیت برای روحانیون و تضعیف موقعیت آنان در میان مردم، بپردازد. چنان‌که توسعه نظام آموزشی جدید به سبک اروپا، در راستای تضعیف مکتب‌خانه‌ها - که غالباً به وسیله روحانیون اداره می‌شدند - بود. همچنین طرح قانون اتحاد لباس و ایجاد موسسه وعظ و خطابه نیز، از دیگر اقدامات وی برای مبارزه با این قشر بود که حتی موجب کاهش تعداد روحانیون شد (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۸۵). حوزه‌های علمیه در این دوران، با ایفای نقش روحانیون در مبارزه با رژیم پهلوی، پاسخ‌گویی و دفاع از اسلام در مواجهه با اندیشه‌های نوظهور و تلاش برای مقابله با جریانات انحرافی و التقاطی درون حوزه، وارد میدان دفاع از تمامیت ارزش‌های اسلامی شدند و در جهت حفظ اندیشه‌های اصیل دین اسلام از تهاجم داخلی و خارجی و حکومتی، تلاش کردند (مبلغی، ۱۳۹۳: ۱۹۹-۲۰۰).

ورود عنصر فرهنگی غرب در شرایطی اتفاق افتاد که فرهنگ ملی و دینی از بالندگی فاصله گرفته و افراد بسیاری در داخل و خارج از مرزها، شدیداً متمایل به فرهنگ غربی بوده و چاره و حل مشکلات را، در پیروی از آنان می‌دیدند. به هر میزان که ضرورت تصفیه منابع فرهنگی و تقویت انسجام و پیوستگی عناصر دینی و ملی برای مقابله با فرهنگ استعماری غرب، افزایش می‌یافت، تجزیه میان این دو بخش و رواج افراط و تفریطها، بیشتر می‌شد. بر این اساس، استعمار فرهنگی غرب با آگاهی از عنصر مقاومت در فرهنگ دینی، تلاش خود را در راستای ترغیب بیشتر ملی‌گرایی افراطی و پالایش فرهنگ ایرانی از فرهنگ اسلامی و غربی و در نتیجه زمینه‌سازی جامعه برای پذیرش نوسازی‌های مدنظر خود، افزایش داد. غرب‌گرایان ایرانی نیز، با توجه به حقیرپنداری و جستجوکردن راه‌هایی در ماندنشان به فرهنگ غربی، نزدیکی بیشتری با غرب پیدا کردند. در نتیجه این زمینه‌ها، انفصال میان فرهنگ اسلامی و ایرانی، به ویژه در دوران پهلوی، افزایش یافت و فرهنگ اسلامی در معرض تمسخر و تهدید قرار گرفته و در حوزه‌های غیر ملی محصور شد، همچنین در فرهنگ اجتماعی، نفی و طرد اجزای ایرانی، مورد توجه قرار گرفت (خانیک، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۲۹).

برای نمونه، میرزا فتعلی آخوندزاده، از جمله متجددان مشروطه‌خواه بود که به انتقاد از سنت‌های دینی از جمله عزاداری‌های شیعیان پرداخت: «مگر مصیبت و درد خود آدم کم است که با نقل گزارش هزارساله، اوقات خود را دائماً تلخ بکند و به جهت عمل بی‌فایده، از کسب و کار باز بماند، از این تعزیه‌داری اصلاً نه برای تو فایده‌ای است و نه به جهت امام. وقت خود را به کارهای عظیم صرف بکن؛ ببین خلق عالم چه ترقیات می‌کنند. آخر تو نیز حرکتی بکن و قدمی به عالم پرورقه بگذار» (آدمیت به نقل از آخوندزاده، ۱۳۴۹: ۲۱۰-۲۱۱). وی همچنین لازمه تهذیب‌نفس و حسن‌رفتار و ارتقای فرهنگ در جوامع آسیایی را، گسترش علم و معرفت در میان آنان، می‌داند (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۷۹): «وقتی که عمل چاپ در آن اقلیم اختراع یافت و خلق به رهنمایی فیلسوفان یوغ اطاعت پاپایان را از گردن خودشان برانداختند و به تحصیل علم و معرفت، شروع کردند، علاوه بر ترقیاتی که نموده‌اند، شرارت و فساد در یورپا، نسبت به ممالک آسیا، به اعلا درجه تخفیف رسیده‌است. ما طائفه اسلام از هجرت تا امروز، پیوسته در منابر و مساجد و مجامع و مجالس به توسط علما، جهال را به نیکوکاری و حسن اخلاق دعوت می‌کنیم و به ایشان در این باب،

انواع و اقسام وعظ و نصیحت می‌دهیم. آیا وعظ و نصیحت ما در ایشان چه تأثیر بخشیده‌است و نتیجه زحمت ما در مدت هزار و دویست و هشتاد و شش سال، چه شده‌است؟ از طائفه جهال همیشه دزدان و راهزنان و قاتلان بوده‌اند و هستند و زحمت ما به جهت تهذیب اخلاق ایشان به واسطه وعظ و نصایح، بیهوده بوده‌است. پس ثابت می‌گردد که وعظ و نصیحت ما با نوید بهشت و تهذیب به دوزخ برای تهذیب اخلاق و ترک معاصی، سبب کافی نیست» (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸-۱۵۹).

## تقابل مطبوعات دینی و اندیشه‌های نوظهور

### ۱. نظام آموزشی جدید

پس از به ثمر نشستن انقلاب مشروطیت، مظاهر تمدن جدید غرب، ظهور و بروز گسترده یافته و برخی مطبوعات دینی به مقابله با این عناصر و لوازم و انتقاد به آن‌ها، پرداختند. از جمله این ظواهر، نظام آموزشی جدید بود که زمینه‌ساز موضع‌گیری مطبوعات دینی گشت (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). اگرچه این حرکت با دارالفنون میرزاتقی‌خان در سال ۱۲۶۶ شروع شد، با این حال پس از چندی، به دلیل اوضاع اجتماعی و سیاسی، رو به افول و نابودی رفت (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۲۷-۳۲۸). هم‌چنین در پی توجه میرزا حسن رشدیه (فرزند آخوند ملا مهدی تبریزی) (۱۲۶۷-۱۳۶۳) به روزنامه‌آختر و الگوهای جدید غربی در بحث آموزش و نیز سفر وی به بیروت و بازدید از مدارس فرانسوی آنجا (رشدیه، ۱۳۷۰: ۲۰) در سال ۱۳۰۵ اولین دبستان ملی به سبک جدید، توسط او در محله ششگلان تبریز، تأسیس شد (همان، ۲۸). در کنار این مدرسه، مدرسه‌ای جدید نیز در پی سفر وی به تهران، افتتاح گردید (همان: ۳۹). او به دلیل افکار، شیوه و روحیاتش مورد انتقاد طلاب بود و این انتقاد در بهم‌ریختن مدرسه و شکستن تخته‌ها و نیمکت‌ها توسط آن‌ها و اخراج وی از جایی به جای دیگر، نمود داشت. با این حال، بعدها پشتیبانی شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبایی، موجب رواج نهضت دبستان‌سازی شد (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۲۸). آیت‌الله طباطبایی خود نیز با وجود مخالفت‌ها، به تأسیس مدرسه «اسلام» در تهران با نظام «ناظم‌الاسلام»، روحانی تجددخواه، اقدام نمود (همان: ۳۲۹). ناظم‌الاسلام درباره وضعیت حاکم بر آن دوران و تأسیس این مدرسه می‌گوید: «همه می‌دانید که ابتدای افتتاح مدارس، بعضی از مغرضین به عوام‌الناس مشتبه کرده‌بودند که مباشرین مکاتب و اجزاء مدارس، کافر و نجس‌اند و به مردم گفته‌بودند که این مدارس، اطفال مسلمانان را بی‌دین و خارج از مذهب می‌کنند، نزدیک بود که رشته مکاتب از هم‌گسیخته گردد که جناب حجت‌الاسلام مدرسه اسلام را تأسیس نمود، آن وقت مردم دانستند که مدرسه و علم منافاتی با دین‌داری ندارد» (ناظم‌الاسلام، ۱۳۸۴: ۱۶۴/۱).

شروع این جریان آموزشی در قرن نوزدهم و با هدف تربیت کادر نظامی بود که بعداً در تامین کادر دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی نیز، مورد توجه قرار گرفت. با این همه، با توجه به جو حاکم بر این موسسات، ارتباط دست‌پرورگان این نظام آموزشی با فرهنگ و اعتقادات جامعه، ضعیف بوده و غالباً تفکر و فرهنگ آن‌ها، از نوع آداب و رسوم غربی بود (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۶). این تغییر نظام آموزش اسلامی که از طریق برچیدن مکتب‌خانه‌ها و جایگزینی نظام آموزش جدید غربی به جای آن، صورت گرفت و کمرنگی‌های اعتقادی و فرهنگی بزرگی را، نسبت به عقاید و فرهنگ اصیل جامعه ایرانی رقم زد، موجب نگرانی مطبوعات دینی شد: «رشته معارف از سیستم اسلامی خود، یعنی تدریس فقه و قرآن و سایر کتب دینی کاملاً تغییر یافته و به سیستم جدید اروپا، تبدیل گشته‌است. مکاتب قدیمه که آن روزها و همه نشانه قدرت اسلام بوده‌اند، امروز به جدیدترین مدارس اروپا تبدیل شده‌اند» (زندیه و قربانی به نقل از دعوت‌اسلامی، ۱۳۹۸). در واقع بیشتر دغدغه آن‌ها، مربوط به عدم رعایت موازین دینی و اسلامی در نظام آموزش جدید غربی و رواج سکولاریسم در میان پرورش‌یافتگان این مدارس بود (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «نمی‌دانیم چه اثری در فضای این مدارس جدید است و چه کلماتی در مغز ساده و بی‌آلایش بچه تزریق می‌کنند که هنوز در کلاس چهار یا پنج مدارس ابتدائی است، به کلی بدبین به موازین و قواعد دینانی شده، مقدسات و شعائر اسلامی را مکروه شمرده، نسبت به حقایق مذهبی لاقید و لابلالی بر می‌آید. هرچند این مسئله عمومیت ندارد، ولی با غالب این طور دیده شده... وضع پروگرام مدارس و تعلیمات عمومی وضع و دستوری نیست که بچه تعصب از مدرسه بدرآید» (زندیه و قربانی به نقل از صلاح‌بشر، ۱۳۹۸).



پس از روی کار آمدن رضاخان و سیاست‌های غربی وی، وابستگی به نظام آموزشی غرب، افزایش یافته و به اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی، اهتمام بیشتری شد. هم‌چنین با توجه به سیاست اسلام‌ستیزانه وی، در نظام آموزش و پرورش جدید، تعلیمات دینی، نخست از آموزش ابتدایی و سپس از مواد درسی، حذف شده (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۶) و برای اولین بار دختران، قدم بر دانشگاه‌های مختلط، گذاشتند (رک: بامداد، ۱۳۴۷: ۹۸) و نظام آموزشی مختلط، رسمیت یافت. در واقع این اقدامات رضاشاه، مقابله‌ای جدی‌تر با «نظام قدیم مکتب‌خانه‌ها» بود (آوری به نقل از عیسی صدیقی، بی تا: ۶۰/۲). این تحولات غربی در نظام آموزشی، بعدها زمینه‌ساز کشف حجاب شد (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۷).

هم‌چنین می‌توان رد پای مطبوعات دینی را، در بحث مدارس زنانه نیز دید. اگرچه صاحبان قلم در مطبوعات دینی، نافی تحصیل علم برای زنان نبودند اما قائل به میزان و مقداری برای آن، بودند. این نشریات، علوم مورد توجه متجددین را بی‌فایده دانسته و آن را مایه نابودی زنان، تلقی می‌کردند (زندیه و قربانی به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸). برخی از این مجلات اعتقاد داشتند که: «زنان می‌توانند علوم و معارف جدید را نزد پدر و مادر و سایر محارم یا زن‌های عالمه، فرا گیرند» (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). این موضع‌گیری‌ها تا آنجا پیش رفت که برخی مجلات، با حضور و فعالیت زنان در خارج از خانه، مخالفت کردند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «هرکس به دقت در ساختمان زن و خلقت این جنس لطیف و ضعف و نفس و عقل و دانش او در اصل فطرت و طبیعت تامل کند، حکم قطعی خواهد کرد که وظیفه زن همان است که دین اسلام مقرر داشته و باید فقط و فقط به تنظیم امور منزلیه و تشکل عائله داخلیه پردازد» (همان به نقل از الاسلام، ۱۳۹۸). بنابر نظر آنان، حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، موجب فساد و از هم‌پاشیدگی خانواده، می‌شد (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

«دعوت‌اسلامی» بیشترین میزان مقاله را در موضوع زنان داشت که تعداد آن‌ها در شماره‌های موجود از این نشریه، به ۲۸ مقاله می‌رسد (همان).

## ۲. کشف حجاب

در عصر مشروطه، مسئله حجاب و زنان، چندان در مطبوعات دینی مطرح نبوده‌است، بلکه تنها برخی از مطبوعات غیردینی به این موضوع پرداخته‌اند (همان)، برای نمونه روزنامه نسیم‌شمال که روزنامه‌ای ادبی به سرپرستی یکی از تحصیل‌کردگان علوم دینی است، شعری مفصل در مورد حجاب منتشر ساخت (رک همان به نقل از نسیم‌شمال، ۱۳۹۸).

با این حال در دوران پهلوی، این موضوع در میان مطبوعات به شدت مورد توجه قرار گرفته و مدیران مسئول مطبوعات دینی، بخشی از فعالیت‌های خود را، به پاسخ‌گویی به حامیان کشف حجاب و ترجمه کتاب‌ها و رسائلی در این زمینه، اختصاص دادند. مطبوعات این عصر، مکرراً به ضررها و زیان‌های کشف حجاب می‌پرداختند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) برای مثال این موضوع را سبب پریشان‌حالی و تیره‌بختی دانسته (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸) و یا اینطور عنوان می‌کردند که: «نفاق و شقاق در بین اهالی کشور ایجاد می‌کند و این نظم و امنیت که به واسطه شاهنشاه رضا پهلوی ایجاد شده‌است دچار مخاطره می‌شود» (همان به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸). به‌علاوه، نویسندگان این مطبوعات، بر دلایل ایجابی حجاب نیز، تأکید می‌کردند: «حجاب توده نسوان را از بدبختی بیرون کشیده و به شاهره سعادت سوق می‌دهد؛ آنان را از هرگونه حملات مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت» (همان به نقل از دعوت‌اسلامی، ۱۳۹۸).

از سال ۱۳۱۲ که فضای کشور، تحت تأثیر تبلیغات حامیان کشف حجاب قرار گرفت، فعالیت مطبوعات دینی نیز در این زمینه، افزایش یافت و مجلاتی نظر «دعوت‌اسلامی» و «الاسلام» که هنوز باقی مانده‌بودند، در هر شماره مقاله‌ای را به موضوع زنان و حجاب، اختصاص دادند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). با این وجود از شماره ۱۳۱۳ ش، دیگر مقاله‌ای در این زمینه در مطبوعات دینی، منتشر نشده و این توقف مقالات، احتمالاً به دلیل هشدار دولت به مدیر مسئول این مجلات، بوده‌است. نزدیکی این تاریخ با زمان اعلام رسمی کشف حجاب، چنین گمانی را تقویت می‌کند. شاید بتوان گفت که تعطیلی مجله «دعوت‌اسلامی» نیز، نه به واسطه تصمیم مدیریت آن که به دلیل فشار حاکمیت بوده‌است. چنان که وجود اسنادی مبنی بر سخت‌گیری و سوءظن دولت نسبت به این نوع مجلات، می‌تواند شهادتی بر این مطلب باشد (همان به نقل از سازمان اسناد همدان، ۱۳۹۸).

### ۳. تحولات فرهنگی

رمان‌ها و کتاب‌های غربی، از دیگر مصادیق تمدن جدید غرب بودند که مشهوریت چندانی در بین برخی جوانان داشتند و با توجه محتوای باطل خود، زمینه نابودی و هلاکت ایشان را فراهم می‌کردند. به همین علت، مطبوعات دینی نسبت به این اتفاق ابراز نگرانی کرده (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) و توصیه به مطالعه کتب فارسیه اخلاق و دستورات حکیمانه دینت اسلام، به جای خواندن مطالب دروغ و غیر حقیقی این دست کتاب‌های غربی، می‌نمودند (نک: همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). آن‌ها در مقابل، توجه جوانان را به مطالعه داستان‌های تاریخی قرآن جلب کرده و خود نیز، در راستای حفظ آنان از خیالات و موهومات و مطالب باطل کتاب‌های غربی و عواقب مطالعه آن‌ها، به شرح و توصیف قصص قرآن همچون داستان حضرت یوسف، اهتمام ورزیدند (رک: همان به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸).

از دیگر مصنوعات فرهنگی رایج غرب در ایران عصر پهلوی اول، سینما و گرافون بود که نشریات دینی، ضررهای آن‌ها را، در کنار زبان‌های رمان و داستان‌های غربی، متذکر می‌شدند: «اگر ما دانستیم که اخلاق اساس زندگی است و اینها (رمان، سینما و گرافون) هم می‌توانند در اخلاق، تصرفات مهمی کنند، باید توجه بیشتری به آن‌ها داشته باشیم؛ ولی افسوس که امروز گذشته از اینکه رعایت جنبه اخلاقی در آن‌ها نشده، بیشترش باعث فساد اخلاق است» (همان به نقل از همایون، ۱۳۹۸). این مطبوعات هم‌چنین در پی نقد صنعت سینما، آن را بی‌اهمیت و فایده دانسته و معتقد بودند که تنها افراد اندکی در غرب، مخاطب سینما هستند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «... در یک شهر اروپا در میان هزاران تماشاچی، ۵۰ نفر اشخاص متین زحمتکش رنجبر پیدا نخواهی کرد که در اثر خستگی روح و دماغ از کارهای رسمیه یومیه، برای ساعاتی رفع‌خستگی در آن منظره حاضر شده‌باشند» (همان به نقل از دعوت اسلامی در پاسخ به نشریه طهران مصور، ۱۳۹۸). با این وجود، به دلیل عمومیت گرافون در میان تمامی افراد، آن را موثرتر در تنزل مردم، می‌دانستند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «رمان را تنها مردم باسواد می‌توانند بخوانند و سینما را، تنها مردم متمدن شهری می‌توانند ببینند، ولی از گرافون هر کسی در هر جا، می‌تواند نتیجه بگیرد» (همان به نقل از همایون، ۱۳۹۸). علاوه بر این موارد، شبیه‌سازی ظاهری به غرب و فرنگ نیز، مورد نقد نویسندگان مطبوعات دینی قرار داشت و به مصادیق آن از جمله کروات، می‌تاختند (همان).

### ۴. عقب‌ماندگی مسلمانان

با توجه به عوامل ساختاری موجود، مطبوعات دینی این اعصار در موضوع عقب‌ماندگی مسلمانان، تفاوت‌هایی داشتند. دو دهه نخست مشروطه، دورانی با ساختار سیاسی بی‌ثبات و تزلزل کابینه‌ها و در نتیجه ناامنی و آشوب در کشور بود، لذا مطبوعات در این سال‌ها، توجه و تأمل بیشتری بر عقب‌ماندگی و علل و راهکارهای رفع آن داشتند. اما با روی کار آمدن سلسله پهلوی و افزایش ثبات و امنیت و به تبع آن، پیشرفت در برخی ابعاد خصوصاً بعد اقتصادی، دغدغه‌های دیگری مطرح شده و اولویت‌ها در مطبوعات دینی، تغییر یافتند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

مطبوعات دینی عصر مشروطه، به دو دسته عوامل داخلی و خارجی در علت عقب‌ماندگی مسلمانان، اشاره می‌کردند. از نگاه این نشریات، جزم‌اندیشان دینی و غرب‌گرایان بی‌دین هر دو به یک میزان، مانع ترقی و تکامل جامعه اسلامی بودند (همان): «دسته اول دارای جمود و خمود فکری هستند و صاحب نظریات و افکار سطحی و محدود که حقیقت اسلام نزد اینان، فقط عبارت است از یک مقداری عبادات بدنی که در او بذل مالی نیست و اما سایر اصول مهمه اسلام که متکلف فضائل اخلاق و علم و تمدن صحیح و بذل نفس و نفیس در فواید نوعیه است، نزد اینان از اصول اسلام محسوب نیست» (همان به نقل از الاسلام (تهران)، ۱۳۹۸، ۷۳). گروه دوم نیز: «اعتقادی به ایمان نداشتند و سعادت و ترقی بشر را در آزادی از قید و بند می‌دانستند و نه تنها دین اسلام، بلکه کلیه ادیان را مانع از ترقی و تکامل می‌پنداشتند. از جمله افکار مسمومه این صنف، آن است که سنن حیات انسانی را منوط به نوامیس دینی ندانسته و حافظ و حارس این مقام را فقط قانون مدنی دیده‌اند» (همان). هم‌چنین در بحث عوامل خارجی، با توجه به تسلط گسترده کشورهای غربی بر اقصی نقاط جهان و اخبار مکرری که از تعرضات کشورهای اروپایی به ممالک اسلامی به ویژه عثمانی، مراکش، طرابلس غرب و بالکان می‌رسید، نویسندگان مطبوعات دینی، بی‌درپی، نسبت به دشمنی اروپاییان با قرآن

و اسلام هشدار داده و در این مورد سخن می‌گفتند: «اروپاییان به طرق مختلف می‌کوشند که حکومت اسلامی را نابود کنند و مسلمانان را به بندگی بکشند» (همان). شاخص‌ترین طرح مطبوعات دینی دوره مشروطه، برای نجات مسلمانان از انحطاط و عقب‌ماندگی و چند دستگی و تفرقه به‌وجود آمده، احیای وحدت اسلامی در میان امت و تشکیل جامعه اسلامی بود که با تأسی از پیشینه درخشان اسلام، ارائه شده بود (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «آیا وقت آن نرسیده یک هیئت اتحادیه اسلامی رسمی تشکیل داده و دست اتحاد بیک (به یک) دیگر بدهید و ناظر اعمال یکدیگر بوده و در موارد مقتضیه، دفاع از یکدیگر کرده و دست متعديان به یکدیگر را، کوتاه کنید» (همان به نقل از تذکر، ۱۳۹۸).

در دوره پهلوی اول، دیدگاه‌ها در مورد عقب‌ماندگی مسلمانان، در مطبوعات دینی تغییر کرده و حتی تحلیل‌هایی برخلاف نظرات پیشین، داده شدند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). به باور برخی از این نشریات، زمامداری رضاشاه، زمینه‌های تکامل ایران را فراهم کرده و عقب‌ماندگی علمی مسلمانان، در حال ترمیم بود (همان به نقل از دعوت اسلامی، الاسلام (شیراز) و آفتاب شرق، ۱۳۹۸). با این‌وجود این مطبوعات به معضل گسترش کفر و الحاد در جامعه و خطر تضعیف باورهای اسلامی اشاره کرده و راهکار را در تأسیس مدارس حوزوی با هدف تبلیغ، می‌دانستند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «امروز لزوماً برای تشیید دیانت و ترمیم مفاسد اجتماعی هیئت مسلمین مملکت اسلامی ایران، مدارس تبلیغی و تعلیمات اخلاقی و دیانتی محتاج است» (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). این نظر که با کمی تفاوت، دیدگاه اکثر نشریات دینی بود (همان به نقل از الدین‌والحیات، ۱۳۹۸)، نشان از تلاش گسترده ایشان، برای جلوگیری از گسترش مدارس دولتی به سبک اروپایی داشت (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) و به همین علت، از حامیان شریعت و زمامداران اسلامی تقاضا می‌شد که با قلم‌زدن در این حوزه، به انتشار حقایق اسلامی در مقابل جریان کفر و الحاد، مبادرت ورزند (زندیه و قربانی به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). در این زمینه شایان ذکر است که انعکاس آشکار مخالفت مطبوعات با سیاست‌های فرهنگی دولت و انتقاد صریح به آن‌ها، میسر نبوده و توقیف فوری این نشریات را، به دنبال داشت (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

از منظر تعدادی دیگر از مجلات دینی، همچون عصر مشروطه، بی‌سوادی و جهل مردم عاملی مؤثر در عقب‌ماندگی بود (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). صاحبان قلم هشدار می‌دادند که: «اگر به این منوال پیش برویم به خاک مذلت دچار می‌شویم» و لذا، در جهت توجه ویژه به موضوع تعلیم و تربیت، بخشی از یک مجله در سال دوم، به این موضوع اختصاص داده شده بود (همان). این اهتمام به علم‌آموزی همراه با توصیه به فراگیری علوم غربی، برای ایجاد پیشرفت و تمدن‌سازی بود (همان به نقل از بلاغ، ۱۳۹۸). هم‌چنین در پیش‌گرفتن راه تقلید موهوم و بدعت‌ها و عدم اهتمام و پیروی از آموزه‌های دین اسلام، عاملی دیگر برای جدایی و پریشانی جامعه، تلقی می‌شد (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «اگر ملت را ملت واحد می‌کردیم؛ یعنی در تحت حاکمیت هیئت علمی از طراز اول که خود، به طور وضوح کسب مسلمیت کرده‌اند، هر کس را آزادی داده که در مرکز همان هیئت معتقدات خود را به مذاکره گذاشته، با جرح و تعدیل تشخیص حق از باطل فرمود، حق را تصدیق و باطل را مردود فرمایند، آن وقت در سایه توحید مذهبی، اتحاد کلمه، وحدت ملی، گوی سبقت از همگان ر بوده، کوس قهرمانیت در همه‌جا کوبیده» (همان به نقل از الدین‌والحیات، ۱۳۹۸).

## ۵. تعارض دین اسلام و علم

سال‌ها پیش از مشروطه، عده‌ای از روشنفکران با الگوبرداری از غرب، دین اسلام را در تعارض با علم روز و پیشرفت‌های آن دانسته و با بیان انتقادات تند، زمینه واکنش مطبوعات دینی را، فراهم ساختند. بر این اساس، تعدادی از مطبوعات این دوره، با انتشار مقالاتی، به دفاع از اعتقادات دینی پرداختند. این نشریات بر لزوم بازسازی و احیای برخی احکام اسلامی و خالص کردن امور دینی از خرافات، تأکید می‌کردند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) و از این طریق، به دنبال نشان‌دادن هماهنگی و عدم تنافی دین اسلام با تمدن جدید و نیز، نمایان ساختن شباهت‌ها و استعدادهای وجودی بیشتر دین اسلام در مقایسه با علوم و پیشرفت‌های غربی بودند (همان به نقل از الاسلام (تهران)، ۱۳۹۸). «... غرض، رفع سوء تفاهم متجددین و فرزندان امروزی است؛ چه مکرر از آن‌ها شنیده شده که می‌گویند قرآن مجید تقویت می‌کند هیئت بظلمیوسی را که بطالان او به سر حد ضرورت و بداهت رسیده. خواستیم مدلل بداریم که این سخن خطاست؛ قرآن و اخبار اهل بیت رسالت، به هیئت جدید نزدیک‌تر است تا هیئت قدیم؛ بلکه بعضی آیات تصریح دارد

به بعضی مقاصد آن‌ها» (همان به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸). «به دلیل و برهان ثابت خواهیم کرد که بر خلاف بعضی از ادیان که با ترتیبات علمیّه حاضره، منافات دارند، تعلیمات شرع شریف اسلام، مطابق و موافق قوانین صحیّه جدیده‌است!» (همان به نقل از صدای اسلام، ۱۳۹۸). در این زمینه، مجله «دعوت‌اسلامی» با ۱۷ مقاله، بیشترین توجه را به این موضوع داشته‌است (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

### ۶. ضرورت اجرای احکام اسلامی

از وجوه اشتراک مطبوعات دینی در دوران مشروطه و پهلوی اول، ضرورت اجرای قوانین و احکام اسلامی در جامعه و جلوگیری از منکرات بود. این موضوع در اغلب مطبوعات دینی، مورد دقت نظر قرار گرفت و انتقادات و موضع‌گیری‌های آشکاری، نسبت به فضای روشن‌فکرانه حاکم بر جامعه و عدم اجرای احکام و دستورات اسلامی، بیان گردیدند (همان).

در این میان، تنها یک نشریه به صراحت به نظام مشروطه و آورده‌های ضدّ دین آن، تاخت (نک: زندیه و قربانی به نقل از جریده اسلامی، ۱۳۹۸) و سایر مطبوعات دینی، ضمن پذیرش ساختار مشروطیت و تعامل با نهادهای سیاسی جدید، در پی اجرای احکام اسلامی در جامعه ایران، بودند: «از یک قرن قبل به بعد، حالت اسلام و پیروان طریقه حضرت خیرالانام، به واسطه عدم اجرای قوانین سیاسی قرآن، رو به تنزل و انحطاط گزارده و اگر دیگر بدین منوال بگذرد، از اسلامیت و ملیت و قومیت ما، اثری باقی نخواهد ماند» (همان به نقل از الحق، ۱۳۹۸). به علاوه نویسندگان این مطبوعات، با انتشار شرح حال علمای سیاسی، بر ضرورت همراهی و دخالت دین در امور اجتماعی، تأکید می‌کردند (زندیه و قربانی به نقل از روزنامه عظمت اسلام، ۱۳۹۸). در این راستا، کناره‌گیری برخی علما از سیاست، موجب شده بود تا هر دو نهاد روحانیت و حاکمیت، به طور غیرمستقیم، مسئول اثنائیه منهیات و انتشار مطالب ضدّ دینی، معرفی شوند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «اگر روحانیون ما قدری به فکر ما می‌بودند؛ اگر هیئت دولت قدری به فکر ملت می‌بود؛ کار به این رسوایی نمی‌کشید که امور مذهبی و دینانی، به تقاضای ملت از مجلس ملی رعایت گردد. در محیط اسلامیت با بودن قرآن مجید، کسی چه حقی دارد که بر خلاف مذهب، نگارش دهد» (همان به نقل از الکمال، ۱۳۹۸).

با روی کار آمدن رضاشاه، سکولاریسم و تفکیک دین از سیاست، شدت گرفته و حضور دین در صحنه‌های جامعه، محدود شد. لذا در این دوره، شاهد افزایش انتشار مقالات در این زمینه در مطبوعات دینی، هستیم (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «ماه مبارک با این برکت و عظمت، جز دو سه مسجد، همه آن‌ها یا درش بسته و قفل شده و یا از کثرت گردوغبار، قدم (در آن) نمی‌توان گذاشت. کو آن مساجد و جمعیت که در صف جماعت سر جا، گردن هم می‌شکستید و برای شنیدن موعظه، دوش هم سوار می‌شدید...» (همان به نقل از الدین‌والحیات، ۱۳۹۷).

### بحث و نتیجه‌گیری

مدتی پس از انتشار «مرآت‌الآخبار» در هند (۱۳۲۴ق / ۱۸۲۰م.) و «کاغذ اخبار» در ایران (۱۲۵۳ق / ۱۲۱۵ش)، به عنوان نخستین نشریات خارجی و داخلی فارسی زبان و در پی بهتر شدن شرایط و کنار رفتن رویکرد تک بعدی، نشریات آزاد و تخصصی رواج یافتند. سرانجام به دنبال احساس نیاز علما و تلاش‌های آنان و نیز غلبه بر استبداد حکومتی، در سال ۱۲۸۱ و حدود نیم قرن پس از انتشار نخستین جراید فارسی زبان، اولین نشریه دینی و مذهبی ایران با نام «الاسلام» یا «گفتگوی صفاخانه» با موضوع مناظره درباره دین اسلام و مسیحیت جهت پاسخ‌گویی به شبهات مسیحیان، به سرپرستی داعی‌الاسلام، عالم آشنا با مذهب مسیح، تأسیس شد. نکته شایان توجه، علت انتشار این مجله، یعنی فاصله زمانی شصت‌ساله این نشریه از نخستین روزنامه ایران و احياناً افزایش شمارگان روزنامه‌ها و مطالب احتمالاً مخالف با دین اسلام است. بنابراین علمای دینی ضمن توجه به این مندرجات و نیز شرایط به وجود آمده و ورود اندیشه‌های جدید و نوظهور موثر بر جامعه، به مقابله با این اندیشه‌ها و دستاوردهای آن‌ها، در مطبوعات دینی گوناگون عصر مشروطه و پهلوی پرداختند. مطالعات نشان می‌دهد که این مواجهه، در مسائل مرتبط با تجدد دینی و به طور خاصه کشف حجاب، نظام آموزشی جدید، تحولات فرهنگی، دلایل عقب‌ماندگی مسلمانان، تعارض دین اسلام با علم و لزوم اجرای احکام اسلامی در جامعه و جلوگیری از تفکیک دین از سیاست، بوده‌است.

## منابع

۱. آوری، پیتر. (بی تا). تاریخ معاصر ایران، از تأسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: موسسه انتشارات عطایی.
۲. آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتعلی آخوندزاده، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۳. آخوندزاده، میرزا فتعلی. (۱۳۵۷). مکتوبات و القابای جدید، گرآوری حمید محمدزاده، تبریز: نشر احیاء.
۴. براون، ادوارد. (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات علم.
۵. بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۷). زن ایرانی، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: انتشارات ابن سینا.
۶. خانیکی، هادی. (۱۳۹۷). قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: طرح نقد.
۷. رشدیه، فخرالدین. (۱۳۷۰). زندگی‌نامه پیر معارف رشدیه، تهران: انتشارات هیرمند.
۸. زندیه، حسن و قربانی، حسینعلی. (۱۳۹۸). جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات دینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰). معرفت، ۲۸(۶)، ۶۷-۷۷. <http://marifat.nashriyat.ir/node/3532>
۹. صلاح، مهدی. (۱۳۸۴). کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۰. صدراشمی، محمد. (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران (مجموعه چهار جلدی)، اصفهان: کمال.
۱۱. گودرزی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). سرآغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیر دینی)، بی‌جا: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. مبلغی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). نواندیشی دینی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
۱۴. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی. (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.